

بررسی سازوکار شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده در پرتو قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹

میلاذ حسین پور^۱، میلاذ غلامی^۲

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان از دانشگاه علامه طباطبائی تهران
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان دانشگاه علامه طباطبائی تهران (نویسنده مسئول)

چکیده

از دغدغه‌های نظام عدالت کیفری در اختیار داشتن آمار جنایی مطمئن و موثق جهت کنترل مواردی بزهکاری و بزه‌دیدگی است، امری که همواره در قشر اطفال و نوجوانان به دلیل وضعیت فیزیولوژیکی ایشان از حساسیت بالایی برخوردار بوده است. این پژوهش با روشی تحلیلی-توصیفی به بررسی سازوکار شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده در پرتو قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ پرداخت و در نتیجه روشن ساخت که اگرچه قانونگذار با ایجاد تکلیف برای سازمان‌های متولی امر کودک، تسهیل خود اظهاری کودک و اجباری ساختن گزارش‌دهی موقعیت‌های مخاطره آمیز کودکان، شروع به جرم و جرایم علیه آن‌ها اقدامات مفیدی را در راستای کاهش رقم سیاه بزه‌دیدگی کودکان، انجام داده است اما همچنان در این مسیر چالش‌هایی وجود دارند که کارایی این روش‌ها را کاهش می‌دهند و برای حل این مشکل باید از ظرفیت‌هایی نظیر پیمایش‌های بزه‌دیدگی استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی: اطفال و نوجوانان، بزه دیده، در معرض خطر، شناسایی، آمار جنایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از گذشته تا کنون، اطفال و نوجوانان با توجه به شرایط فیزیولوژیکی بیشتر در معرض سوء رفتار یا پایمال شدن حقوقشان قرار گرفته‌اند که این موضوع به تدریج باعث شکل‌گیری یک نظام حمایتی کیفری و غیرکیفری در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی گردیده است. اما باید توجه داشت که مقدمه به‌رمندی کودکان از این حمایت‌ها شناسایی موارد تضييع حقوق آنها است.

بصورت کلی نمایان‌پذیری جرم با خصوصی و شخصی بودن ارتکاب جرم نسبت عکس دارد و هرچه زمینه‌های خصوصی و شخصی جرایم بیشتر باشند، رؤیت‌پذیری آنها کمتر خواهد بود (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، ص ۹۵). در غالب موارد میزان گزارش-دهی و شناسایی خشونت‌های خانگی مخصوصاً خشونت علیه اطفال و نوجوانان، بسیار پایین است و این مسئله نشان از اهمیت شناسایی بزه‌دیدگان در این جرایم دارد. با توجه به تنوع گونه‌های خشونت و سوء استفاده از کودکان موارد بسیاری وجود دارد که هرگز فاش نشده و در تاریکی مطلق ناشی از ارقام سیاه مدفون شده‌اند به همین جهت در تحقیقی که از جرایم علیه کودکان توسط دفتر کمیسیونر بزه‌دیدگان صورت گرفته، از کودکان بزه‌دیده تحت عنوان «رنج دیدگان در سکوت» یاد شده است (به نقل از مهرا و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۲۱۹). بنابراین، گام نخست در راستای حمایت از کودکان بزه‌دیده و در معرض خطر، تسهیل شناسایی آنها جهت اعمال تدابیر پیش‌گیرانه و حمایتی است و برای نیل به این هدف باید از روش‌هایی نظیر اجباری ساختن گزارش‌دهی توسط مدرسه، خانواده، بستگان و به طور کلی ایجاد تکالیفی جهت گزارش بزه‌دیدگی کودکان توسط آحاد جامعه و همچنین ایجاد مراکزی جهت خود اظهاری و شنیده شدن اطفال و نوجوانان، استفاده نمود (عباچی، ۱۳۸۳، ص ۷۷).

از دیر باز اهمیت و تسهیل امر شناسایی کودکان در معرض خطر و بزه‌دیده در اسناد مهم بین‌المللی مورد توجه بوده است که از جمله آنها می‌توان به بند ۲ ماده ۱۹ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حمایت از حقوق کودک اشاره نمود که در آن به دولت‌ها توصیه شده تا در راستای کشف و پیشگیری از جرایم علیه کودکان اقدامات و روش‌های موثری را همراه با برنامه‌های اجتماعی در پیش بگیرند. در حقوق ایران نیز مسئله شناسایی کودکان بزه‌دیده مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته که در گذر زمان دچار تحول گردیده و در آخرین مقرر و در سال ۱۳۹۹ قانونگذار از ابزارهای ویژه‌ای نظیر اجباری ساختن گزارش‌دهی موقعیت‌های مخاطره‌آمیز برای عامه و ایجاد وظیفه شناسایی و گزارش‌دهی بر سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی بهره‌جسته است.

پژوهش پیش‌رو در نظر دارد تا با نگاهی تحلیلی-توصیفی به ابداعات قانونگذار در این حوزه، در دو قسمت ابتدا به تبیین سازوکار شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده بپردازد و سپس به بررسی چالش‌های موجود در این حوزه بپردازد.

^۱ - در پژوهش حاضر مقصود از «اطفال»، افرادی هستند که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشند، از این رو دختران قبل از رسیدن به ۹ سال تمام قمری و پسران قبل از رسیدن به ۱۵ سال تمام قمری، طفل محسوب شده و پس از آن نوجوان به حساب می‌آیند.

^۲ - در این پژوهش کلمه کودک به کلیه افراد زیر ۱۸ سال بر اساس کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ (CRC) یافته است.

^۳ - کودکان در معرض خطر (Child At Risk) وفق مفهوم صدر ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، به افرادی اطلاق می‌شود که در معرض موقعیت‌های آسیب‌زای جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت یا وضعیت آموزشی قرار گرفته‌اند که این موقعیت‌ها در ۱۴ بند ذیل ماده مذکور تحت عنوان «موقعیت‌های مخاطره‌آمیز» برشمرده شده است.

۱. سازوکار شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزهدیده

شناسایی در بند ۷ از ماده ۱ آیین نامه اجرای ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ این گونه تعریف شده است: «تشخیص طفل و نوجوانان در معرض خطر و بزهدیده، توسط مددکاران اجتماعی بهزیستی یا سایر مراجع ذی صلاح». همانگونه که پیش تر اشاره شد قانونگذار در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹، وظایفی را در راستای تسهیل امر شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزهدیده بر عهده در نظر گرفته است که در سه بخش قابل بررسی است. ۱. ایجاد حق شکایت برای کودک، ۲. اجباری ساختن گزارش دهی موقعیت‌های مخاطره آمیز و جرایم بر علیه کودک و ۳. ایجا تکلیف بر سازمان‌ها و نهادهای مسئول در این زمینه. در این قسمت با هر یک از این ابداعات آشنا خواهیم شد.

۱-۱. ایجاد حق شکایت برای کودک مستقل از اولیاء و سرپرستان قانونی

تا پیش از تصویب ق.ح.ا.ن.ج، از سوی مخالفان و موافقان دلایل بسیاری در پذیرش یا عدم پذیرش شکایت کودک بزهدیده، به ویژه در شرایطی که جرم دارای جنبه خصوصی باشد، مطرح می شد؛ از جمله شرایط اهلیت و بلوغ لازم برای طرح دعوا. پس از تصویب قانون یاد شده و آیین نامه اجرایی ماده ۶ این قانون که در سال ۱۴۰۰ به تصویب رسید، علاوه بر اینکه در ماده ۳۱ قانون مذکور تمامی جرایم علیه کودکان دارای جنبه عمومی دانسته شده، حق طرح شکایت یا اعلام وضعیت های مخاطره آمیز توسط کودکان نیز به رسمیت شناخته شده است؛ در این راستا ماده ۳۰ ق.ح.ا.ج، تقاضای طفل و نوجوان را علاوه بر موارد ماده ۶۴ ق.آ.د.ک از موارد جهات شروع به تعقیب بر شمرده و همچنین مواد ۵ و ۲۸ آیین نامه اجرایی ق.ح.ا.ن.ج که در شرح وظایف سازمان بهزیستی و نیروی انتظامی برای شناسایی کودکان در معرض خطر نگاشته شده، تقاضای کتبی یا شفاهی طفل یا نوجوان یا مراجعه حضوری آنها به مراکز بهزیستی یا فوریت های اجتماعی و یا نیروی انتظامی را از موارد شناسایی و پیگیری محسوب نموده است.

۱-۲. مکلف نمودن عامه بر گزارش دهی موقعیت‌های مخاطره آمیز کودکان و جرایم بر علیه آنها

یکی از روش‌های کارآمد در راستای کاستن از رقم سیاه بزهدیدگی کودکان، ملزم نمودن عامه مردم به گزارش موارد بزهدیدگی و موقعیت های مخاطره آمیز است. در بسیاری از کشورها اقدامات موثری در جهت کاهش بزهدیدگی کودکان از طریق اجباری ساختن گزارش سوء رفتارها و بزهدیدگی ها انجام گرفته است. این تدبیر به ویژه در موارد بزهدیدگی های ناشی از غفلت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که این قسم از بزهدیدگی ها از رؤیت پذیری کمتری نسبت به دیگر آسیب‌ها دارند و به همین جهت ممکن است تا مدت‌ها چنین وضعیت‌هایی استمرار داشته باشند (مشکات، ۱۳۹۸، ص ۱۵۸).

این موضوع در پیمان نامه بین المللی حمایت از کودکان علیه بدرفتاری مصوب ۱۹۷۹ شورای اروپا نیط مورد توجه قرار گرفته و به موجب آن گزارش نمودن جرایم علیه اطفال و نوجوانان به عنوان یک اصل در نظر گرفته شده و در بندهای a و b و c از

^۴ - زین پس از عبارت «ق.ح.ا.ن.ج» به جای «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹» استفاده خواهد شد.

بخش دوم این سند، به دولت‌ها توصیه شده تا موجبات آگاهی و ترغیب عموم به اطلاع دهی جرایم علیه کودکان را فراهم نمایند.^۵

در ایران پیش از تصویب ق.ح.ا.ن.ج، گزارش دهی جرایم به صورت عام تنها به موارد محدودی اختصاص یافته بود، مانند ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری و بصورت کلی تکلیفی به گزارش دهی جرایم متوجه افراد جامعه نبود، البته گزارش افراد جامعه و سازمانهای مرم نهاد، مطابق مواد ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری تحت شرایطی می‌تواند مورد قبول واقع شود.

در خصوص کودکان تا پیش از ق.ح.ا.ن.ج، تکلیفی برای عامه مردم به گزارش دهی موقعیت‌های مخاطر آمیز و جرایم علیه کودکان وجود نداشت، اگرچه در مقررره پیشین (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۸۱)، صرفا مؤسسات و افرادی که وظیفه نگاهداری و حفاظت از کودکان را دارند و آن هم در صورت مشاهده کودک آزاری و نه اطلاع از آن مکلف به گزارش دهی بودند. در این راستا قانون ح.ا.ن.ج، در ماده ۱۷ گزارش دهی موقعیت‌های مخاطره آمیز شدید یا قریب الوقوع کودکان، شروع به جرایم و جرایم علیه آن‌ها را برای عامه اجباری ساخت و عدم اجرای این وظیفه را حسب مورد موجب اعمال یک تا ۳ مورد از مجازات‌های درجه ۶ دانست.

ماده فوق که مشابه ماده واحده کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی تدوین شده است، تا حدودی زیادی ایرادات وارد بر مقررره سابق را برطرف نمود و در اقدامی شایسته دامنه رفتارهای مشمول گزارش دهی را گسترش داد بر این اساس موقعیت‌های مشمول گزارش دهی اجباری را جرم، شروع به جرم و موقعیت‌های مخاطره آمیز شدید یا قریب الوقوع علیه اطفال برشمرد. همچنین این ماده وظیفه گزارش دهی را مشروط بر این دانسته که با این اقدام، خطری مشابه یا شدیدتر و یا خطر کمتر قابل توجهی متوجه شخص گزارش دهنده یا دیگران نشود و در تبصره برای افرادی که مطابق قوانین و مقررات وظیفه گزارش دهی موقعیت‌های مخاطره آمیز بر علیه کودکان را دارند ضمانت اجرایی سنگین تر در نظر گرفته است.

در ادامه و در ماده ۱۸، قانون یاد شده در یک اقدام قابل تحسین، و در راستای حمایت از افراد گزارش دهنده وضعیت‌های مذکور چنین مقرر داشته است: «افشای هویت کسی که را گزارش می‌دهد، جز با رضایت خود او یا به موجب قانون و با رعایت حقوق طفل و موازین شرعی ممنوع است و مرتکب به مجازات درجه هشت قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود و در مواردی که افشای هویت موجب وقوع جرم علیه گزارش دهنده شود، افشاکننده حسب مورد به یک یا چند مجازات درجه هفت قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.» به عبارتی قانون گذار با جرم انگاری افشای هویت گزارشگران وقوع جرم یا شروع به ارتکاب آن یا خطر شدید و قریب الوقوع علیه طفل یا نوجوان، موجبات آسایش و اطمینان خاطر این افراد را فراهم آورده است.

در خصوص گزارش و شکایت سرپرستان قانونی به نیابت از اطفال و نوجوانان، برخی محققان در مورد صحت گزارشات سرپرستان اطفال و نوجوانان تردید دارند و ادعا می‌کنند که شواهد موجود برای سودمندی گزارشات آنچنان مقبول نیست که بتوان با استفاده از این گزارش‌ها به عنوان یک منبع واحد اطلاعاتی تمام لایه‌های بزه‌دیدگی کودک را کشف کرد و گزارشات ممکن است مستعد سوگیری پاسخ باشند. از سوی دیگر قربانی شدن کودک به ویژه در موارد کودک آزاری و بی توجهی، ممکن است سرپرستان کودکان را نیز درگیر کند و احتمال دارد مخبر والدین یا سرپرستان اطفال و نوجوانان نیز کسی باشد

^۵ - council of Europe, committee of ministers, concerning the protection of children against ILL_ Treatment, 13 september 1979

که خود مرتکب خشونت شده است. در چنین شرایطی بعید نیست که سرپرستان یا مخبرین والدین تمام واقعیات را بازگو نکنند (Appel, Holden, ۱۹۹۸, p580).

با این حال والدین و سرپرستان قانونی اطفال و نوجوانان در صورت وجود آمدن وضعیت مخاطره آمیز برای طفل یا نوجوانشان (وفق ماده ۱۷) مکلف هستند که این شرایط را به نهادهایی مانند دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان، پلیس و یا سازمان بهزیستی گزارش کنند. مستند این تکلیف را با قیاس اولویت و باتوجه به ایجاد وظیفه گزارش دهی برای عامه در ماده ۱۷ ق.ح.ا.ج می توان یافت نمود.

۳-۱. ایجاد تکلیف به شناسایی اطفال و نوجوانان برای نهادهای متولی امر کودک

مشارکت نهاد های دولتی و غیر دولتی در حمایت از اطفال و نوجوانان از مهم ترین راهکارهای ارتقاء سطح کیفی سیاست جنایی پیشگیرانه در جهت جلوگیری کاهش اتلاف منابع و سرمایه ها و افزایش راندمان و بازدهی برنامه های حمایتی است.

پاسخ به پدیده کودک آزاری منحصر به مراجع قضایی و شبه قضایی نسیت و اتفاقاً واکنش مراجع قضایی به عنوان آخرین راهکار در نظر گرفته می شود چرا که با توجه به طبیعت کودک آزاری و احتمال بزه دیدگی ثانویه در فرآیند پیگیری های قضائی، اولویت با مراجع غیر قضایی است. در این راستا قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴ در ماده ۳ به تصویب برنامه های ایجادکننده زمینه های مشترک همکاری با نهادهای دولتی و غیر دولتی در ساحت پیشگیری از وقوع جرم تاکید کرده است. بنابراین در اجرای برنامه های حمایتی و پیشگیرانه علاوه بر مراجع دستگاه قضا به عنوان یک سیستم ذاتاً مسئول، باید دیگر ارگان های دولتی و غیر دولتی را نیز بکارگرفت، این موضوع در ق.ح.ا.ن.ج، مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و علاوه بر ایجاد ساختار و وظایف جدید برای قوه قضائیه برای برخی نهادها وفق ماده ۶ وظایفی حمایتی در نظر گرفته شده که از جمله آن ها می توان به شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه دیده اشاره نمود. در این قسمت به شرح وظایف سازمان های متولی امور کودک در حوزه شناسایی خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱. شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر یا بزه دیده توسط نهادها و سازمان های رسمی

سازمان ها و نهادهای رسمی با توجه به وظایف و اختیاراتشان، در پیشگیری از بزه دیدگی اطفال و نوجوانان، نقشی کلیدی دارند. در ق.ح.ا.ن.ج و آیین نامه اجرایی ماده ۶ قانون یادشده، برای این سازمان ها و نهادها که عبارتند از؛ نهادها و مقامات قضایی، نیروی انتظامی، آموزش و پرورش، وزارت کشور، پزشکی قانونی و سازمان بهزیستی، تکالیفی بیان شده است که با توجه به وظایف آن ها در سایر قوانین به تشریح نقش و جایگاه این نهادها و مسئولین در شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه دیده خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱-۱. نقش سازمان قضایی در شناسایی کودکان در معرض خطر و بزه دیده

کشف جرم معمولاً فرآیندی است که با همکاری سیستم قضائی و دیگر ارگان های مسئول نظیر نیروی انتظامی صورت می گیرد. در مواردی نیز کشف جرم رسماً توسط مقام قضائی صورت گرفته و به مقام قضائی یا مراجع صالح قضائی اعلام می گردد

که برای نمونه می‌توان به ماده ۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره نمود که مطابق آن در صورتی که ضمن تحقیق، بازپرس، جرم غیر قابل گذشت دیگری را کشف کند که با جرم اول غیر مرتبط است مکلف است آن را به دادستان گزارش نماید.

ق. ح. ا. ن. ج، بدین شرح تکلیفی را برای شناسایی و گزارش دهی اطفال و نوجوانان در معرض خطر برای مراجع قضایی در نظر گرفته است: «مراجع قضائی مکلفند در صورتی که در جریان رسیدگی قضائی با طفل و نوجوان موضوع ماده (۳) این قانون مواجه شوند، وی را حسب مورد به بهزیستی یا دادستان محل سکونت معرفی کنند.» همچنین در بند ۲ ماده ۳۲ آیین نامه اجرایی ماده ۶ ق. ح. ا. ن. ج، سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی مکلف گردیده است که «نسبت به شناسایی و معرفی اطفال و نوجوانانی که پدر، مادر یا سرپرست قانونی آنان در زندان به سر می‌برند به سازمان بهزیستی و وزارت آموزش و پرورش اقدام کند.»

بنابراین باید عنوان کرد؛ در صورتی که مراجع قضایی ضمن رسیدگی یا تحقیقات خود، از بزه‌دیدگی و یا در معرض خطر بودن کودکی مطلع شدند، مکلف به گزارش دهی به مرجع صالح و یا پیگیری در صورت صلاحیت خواهند بود.

۲-۱-۳-۱. تکلیف نیروی انتظامی در شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه دیده

پلیس در مواردی مانند خشونت‌ها و سهل انگاری‌های خانوادگی نقش مهمی ایفا می‌کند و هنگامی که از وقوع خشونت و یا سهل انگاری بر اطفال و نوجوانان مطلع شد، باید فوراً به یاری آنها بشتابد. به همین جهت پیشنهاد شده است که شاخه‌ای از پلیس به نام پلیس حامی کودکان تشکیل شود، لازم به ذکر است که لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان نیز جهت بررسی به مجلس شورای اسلامی ارائه شده که در کنار ایجاد وظیفه شناسایی اطفال و نوجوانان بزه‌دیده و در معرض خطر به-ویژه قربانی خشونت، حمایت های روزآمدی را در قالب ایجاد پلیس مدرسه با همکاری آموزش و پرورش ترتیب داده و بر شناسایی موقعیت های مخاطره آمیز و بزه‌دیدگی اطفال در مدارس تاکید نموده است.

بند ب ماده ۶ ق. ح. ا. ن. ج، نخستین وظیفه نیروی انتظامی در راستای تحقق اهداف قانون مذکور را «شناسایی اطفال و نوجوانان در وضعیت مخاطره‌آمیز در موارد مراجعه یا معرفی آنان به نیروی انتظامی یا مواجه شدن با آنان در حین اجرای وظیفه و یا شکایت از آنان، حسب مورد برای معرفی به سازمان بهزیستی کشور یا مراجع قضائی و انجام حمایت‌های مورد نیاز بر اساس این قانون یا سایر قوانین مرتبط» از طریق پلیس ویژه اطفال و نوجوانان بیان نموده است و در شرح این تکلیف، آیین نامه اجرایی ماده ۶ مصوب ۱۴۰۰، نحوه شناسایی را تبیین نموده است که عبارتند از: «۱. مراجعه طفل و نوجوان به تنهایی یا همراه دیگری که اظهارات وی و اوضاع و احوال موجود دلالت بر وقوع وضعیت مخاطره‌آمیز یا بزه‌دیدگی داشته باشد. ۲. معرفی طفل و نوجوان در وضعیت مخاطره‌آمیز به نیروی انتظامی توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی ۳. مشاهده طفل و نوجوان در وضعیت مخاطره‌آمیز یا بزه‌دیده در حین انجام وظایف یا گشت‌زنی ۴. شکایت از طفل و نوجوان.»

۳-۱-۳-۱. وظیفه وزارت کشور در راستای شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده

حق برنامه داشتن هویت از جمله حقوقی است که پایمال کردن آن موجب می‌شود کودک علاوه بر حریمت از حقوقی مانند تحصیل در معرض خطرهایی جسمانی و روانی قرار گیرد. کودکی که نام و هویت ندارد مانند انسانی است که متولد نشده و راه سوء استفاده را برای باندهای مجرمانه قاچاق انسان یا اعضاء هموار می‌سازد، بدین ترتیب ق. ح. ا. ن. ج و آیین نامه اجرایی ماده

۶ این قانون، وزارت کشور را مکلف نموده است تا از طریق استانداری، فرمانداری، شهرداری، بخشداری و دهداری های سراسر کشور به شناسایی اطفال و نوجوانان فاقد اسناد سجلی یا هویتی اعم از اتباع ایرانی و غیرایرانی پرداخته و آنها را به نهادهای حمایتی، آموزشی، درمانی یا قضائی جهت اتخاذ اقدامات حمایتی، معرفی نماید.

۴-۱-۳-۱. نقش آموزش و پرورش در شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده

کودکان در مدرسه با آسیب های بسیاری رو به رو هستند؛ بدین معنا که احتمال دارد کودکان در معرض آسیب هایی مانند: ترک تحصیل، خشونت، اخاذی، سرقت، جرایم مرتبط با موارد مخدر، زورگویی و ضرب و جرح قرار گیرند (ابراهیمی، کلانتری، ۱۳۹۶، ص ۳۳). برای نیل به این هدف و با توجه به آثار منفی بزه‌دیدگی کودکان در آتیه، ق. ح. ا. ن. ج و آیین نامه اجرائی این قانون، آموزش و پرورش را مکلف به شناسایی و انجام مداخلات پیشگیرانه نموده است. از جمله این اقدامات حمایتی، شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده جهت معرفی به مراجع صالح حمایتی قضائی و غیر قضایی است، همانگونه که بیان شد تعامل پلیس و آموزش و پرورش در لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

لازم به ذکر است در ماده ۴۶ آیین‌نامه یاد شده، وزارت آموزش و پرورش موظف گردیده از سامانه نماد (نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان) جهت پایش مستمر وضعیت تحصیلی و رفتاری دانش آموزان و شناسایی افراد در معرض خطر و بزه‌دیده برای انجام اقدامات حمایتی، استفاده نماید. طرح نماد برای پیشگیری از کژروی ها و نابهنجاری ها میان کودکان و نوجوانان از نمونه های پیشگیری رشدمدار است. این سند در پی مهار آسیب‌های اجتماعی در سه فضای مدرسه، خانواده با محوریت مدرسه و شعار «پیشگیری بهتر از درمان است» از مهرماه ۱۳۹۵ به صورت آزمایشی در شش استان کشور در حال اجراست (رایجیان، ۱۳۹۸، ص ۵۳).

۵-۱-۳-۱. جایگاه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در شناسایی کودکان بزه‌دیده و در معرض خطر

کادر درمانی روزانه با انواع بیماری ها و بیماران در تماس خواهند بود، در نتیجه بخشی از مراجعین آن‌ها را افراد در معرض خطر و بزه‌دیده تشکیل می‌دهند، بنابراین کادر درمان زیر نظر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نقش بسزایی در شناسایی بزه دیدگی و وضعیت های مخاطره آمیز خواهد داشت. این موضوع نیز مورد توجه مقنن بوده و در بند ۲ قسمت «ج» ماده ۶ ق. ح. ا. ن. ج، مذکور کادر درمان ملزم به گزارش موارد مشکوک به کودک آزاری به مراجع قضائی و بهزیستی شده‌اند. همچنین در راستای این تکلیف آیین نامه اجرایی ماده فوق در ماده ۴۲ به تبیین سازوکار شناسایی کودکان در معرض خطر توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پرداخته است.

۶-۱-۳-۱. جایگاه وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی در شناسایی کودکان در معرض خطر و بزه دیده

بخش مهمی از سیاست‌های پیشگیرانه اجتماعی برعهده وزارت کار تعاون و رفاه اجتماعی به عنوان یکی از بازوهای قوه مجریه قرار گرفته است. بدین منظور ماده ۹ قانون ایجاد این وزارتخانه، سیاست پیشگیری از ظهور یا گسترش انحراف و مشکلات

اجتماعی از طریق آماده کردن زمینه های رفاه عموم و ارتقاء پشتیبانی های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر خدمات را به عنوان غایت و وظیفه این وزارتخانه در نظر گرفته اند. که از جمله این زمینه ها، حوزه ی پشتیبانی و حمایت کودکان کار است (ساریخانی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵). کودکان کار در جوامع مختلف به اشخاصی اطلاق می شود که به علت وضعیت نامساعد اجتماعی و اقتصادی و همچنین نقص و ابهام قوانین مربوط به حقوق کودکان، در وضعیت های دشوار و خطرناک به سر می برند و این کودکان با درآمد ناچیز در اماکن نامناسب مشغول به فعالیت هستند (Ray, Kaye, ۲۰۰۲, p 15)

ق.ح.ا.ن.ج در بند «ث» وزارت کار را مکلف کرده است تا اقدامات زیر را در جهت شناسایی اطفال و نوجوانان بزه دیده یا در معرض خطر انجام دهد: «۱- نظارت مؤثر بر اماکن کار جهت پیشگیری و مقابله با آزار یا بهره کشی اقتصادی از اطفال یا نوجوانان؛ ۲- معرفی اطفال و نوجوانان بزه دیده یا در معرض خطر به نهادهای حمایتی و قضائی ...»

همچنین آیین نامه اجرای ماده ۶ قانون مزبور نیز در بند ۳ ماده ۳۹، بازرسان وزارت کار و نهادهای غیردولتی را موظف کرده است تا تدابیر لازم را به منظور شناسایی موارد بهره کشی از اطفال و نوجوانان ایرانی و غیرایرانی در تمامی محیط های کار انجام دهند و در هر مورد موضوع را جهت آرایه خدمات حمایتی به ادارات بهزیستی و جهت تعقیب مرتکبان به واحد حمایت از اطفال و نوجوانان دادگستری اطلاع دهند، همچنین با نیروی انتظامی و مددکاران اجتماعی برای بازرسی و حضور در محیط های کار همکاری نمایند.

۷-۱-۳-۱. نقش سازمان بهزیستی در شناسایی کودکان در معرض خطر و بزه دیده

مددکاران اجتماعی با توجه به مراودات اجتماعی که در نتیجه حرفه ی آنها پدید می آید، ملکف به شناسایی و گزارش وضعیت های مخاطره آمیز یا بزه دیدگی اطفال و نوجوانان هستند. در اولین بند ماده ۶ ق.ح.ا.ن.ج، برای سازمان بهزیستی از طریق مددکاران اجتماعی در تعامل با شهرداری یا دهیاری و نیروی انتظامی، چهار وظیفه در نظر گرفته شده و شناسایی به عنوان یکی از این وظایف مطابق ماده ۵ آیین نامه اجرایی ماده ۶ ق.ح.ا.ن.ج، به ترتیب زیر است:

« سازمان بهزیستی علاوه بر موارد مذکور در ماده (۴) این آیین نامه، به یکی از روش های زیر طفل و نوجوان در معرض خطر یا بزه دیده را شناسایی می نماید:

۱- تقاضای کتبی یا شفاهی یا مراجعه طفل و نوجوان به تنهایی یا به همراه سایر اشخاص به مراکز فوریت های خدمات اجتماعی (مراکز مداخله در بحران، خط تلفن اورژانس اجتماعی (۱۲۳)، پایگاه های خدمات اجتماعی و خدمات سیار اورژانس اجتماعی) یا ادارات بهزیستی. ۲- معرفی توسط دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۶) قانون شامل وزارتخانه های آموزش و پرورش، کشور، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، شهرداری ها و دهیاری ها و واحدهای سازمانی آنها. ۳- اعلام یا گزارش افراد یا دستگاه ها و سازمان های دولتی یا غیردولتی مانند دفاتر حمایت از اطفال و نوجوانان دادگستری یا مراجع قضایی، مرجع ملی حقوق کودک، معاونت رییس جمهور در امور زنان و خانواده، سازمان های مردم نهاد و انجمن های علمی و صنفی مرتبط با اجرای قانون.»

ماده فوق الذکر علاوه بر شناسایی اطفال و نوجوانان از طریق مراجعه و خود اظهاری، معرفی توسط دستگاه های ماده ۶ ق.ح.ا.ن.ج و سایر نهاد های مذکور در بند ۳، به شناسایی توسط اورژانس اجتماعی از طریق خط تلفن ۱۲۳ اشاره نموده است. در مورد اورژانس اجتماعی باید افزود، شناسایی گروه های هدف این طرح، شامل اطفال و نوجوانان در معرض خطر، سالمندان،

فراریان از خانه، همسران آزار دیده و افراد دارای اختلال هویت جنسی هستند که از طریق خود اظهاری حضوری یا سامانه ۱۲۳ صورت می پذیرد.

۲-۳-۱. شناسایی کودکان در معرض خطر و بزه‌دیده توسط سازمان‌های مردم نهاد

مداخله این سازمان‌های مردم نهاد در برنامه‌های حمایتی برای کودکان یکی از جلوه‌های «سیاست جنایی مشارکتی» است. این سازمان‌ها در زمینه خشونت، آزار و استثمار و اجرای حقوق کودکان، با اعلام و گزارش جرایم مذکور می‌توانند اقدامات مثبتی را در راستای کشف و تعقیب اجرا نمایند (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۴).

مطابق ماده ۶۶ ق. آیین دادرسی کیفری سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آنها در عرصه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی به ثبت رسیده باشد، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه فعالیت‌های مذکور در اساسنامه خود اعلام جرم نمایند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند. البته در تبصره ماده ۶۶ محدودیتی برای مداخله سازمان‌های مردم نهاد در نظر گرفته شده و بر این اساس تنها سازمان‌هایی که از سوی رئیس قوه قضائیه معرفی شده باشند حق شرکت در فعالیت‌های یادشده را دارند.

نکته دیگر آنکه، مطابق تبصره دوم ماده یاد شده، اگر جرم بزه‌دیده خاصی مانند اطفال و نوجوانان یا سفیه داشته باشد، باید رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او جلب شود. و اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشند، سازمان‌های مذکور باید رضایت قیم اتفاقی یا تایید دادستان جهت انجام اقدامات را لازم اخذ کنند و بدین سان، سمن‌ها در اعلام جرایم علیه اطفال و نوجوانان ملکف به اخذ رضایت ولی، قیم (در امور مالی) و یا سرپرستان قانونی اطفال و نوجوانان هستند، حال آنکه براساس آنچه پیشتر آورده شد، اگر این سازمان‌ها جزء دسته‌ی نهادهای حمایتی حقوق کودکان باشند و از گزارش دهی اجتناب کنند. مطابق تبصره ماده ۱۷ ق. ح. ا. ن. ج به «..... به دو یا هر سه مجازات درجه شش قانون مجازات اسلامی و حسب مورد به انفصال موقت از خدمات دولتی یا عمومی یا محرومیت از فعالیت در آن حرفه به مدت شش‌ماه تا دو سال محکوم می‌شود.» بنابراین، سمن‌هایی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان تدوین شده است، در صورت مشاهده یا آگاهی از بزه‌دیدگی، شروع به جرم یا وضعیت مخاطره آمیز شدید یا قریب الوقوع اطفال و نوجوانان، مکلف به اعلام جرم بوده و بنظر می‌رسد دیگر نیازی به اخذ رضایت از ولی یا قیم، سرپرستان قانونی آن‌ها ندارند و شاید بتوان عنوان نمود که این قسمت از تبصره ۱ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، نسخ ضمنی شده است.

۲. چالش‌های شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده

برای اعمال حمایت‌های تعریف شده، بزه‌دیده ابتدا باید از طرق تبیین شده در قسمت قبل شناسایی شود. در موارد زیادی از مواقع شناسایی اطفال و نوجوانان به راحتی صورت نمی‌گیرد. علاوه بر چالشی که در ماده ۱۷ ق. ح. ا. ن. ج وجود دارد، ممکن است طفل و نوجوانان به خاطر شرایط ویژه خود تصمیم بگیرد ظلم و ستم را تحمل کرده و جرم را گزارش نکند. عدم گزارش دهی طفل یا نوجوان می‌تواند ناشی از ترس از بزه‌کار، سرزنش و دستگیری، عدم توانایی، کم‌اهمیت تلقی کردن جرم یا وابستگی مادی یا معنوی به مرتکب باشد که این چالش‌ها به صورت تفصیلی در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲. معیار « شدت»؛ رهگذری برای فرار از مسئولیت مندرج در ماده ۱۷ ق.ح.ا.ن. ج

اگرچه ایجاد مسئولیت گزارش‌دهی برای عموم مردم در برخورد با موقعیت‌های مخاطره آمیز شدید یا قریب الوقوع کودکان، شروع به جرم و جرایم علیه کودکان وفق ماده ۱۷ از نقاط قوت ق.ح.ا.ن.ج، محسوب می‌شود، اما عدم تبیین معیاری برای افتراق موقعیت‌های مخاطره آمیز شدید با غیر شدید(عادی)، موجب شده، تا از این واژه بتوان به عنوان عذری قانونی جهت شانه خالی کردن از مسئولیت گزارش‌دهی استفاده شود. شایسته بود قانونگذار تشخیص موارد شدت را بر عهده مقام رسمی ارزیاب قرار می‌داد.

۲-۲. ترس بزه‌دیده از بزه‌کار

کودکان به دلیل ضعف قوه جسمانی و عقلانی‌شان سریع‌تر، راحت‌تر و بیشتر در معرض بزه‌دیدگی قرار گرفته و بزه‌دیدگی خود را نیز گزارش نمی‌کنند، یکی از دلایل این عدم گزارش کردن، سو استفاده بزه‌کار از این ساختار کمال نیافته‌ی فیزیولوژیکی برای ارباب او است با این شرح که بزه‌کار با تهدیدی که حتی ممکن است به عرصه عمل نیز نرسد باعث ترس کودک شده و بدین طریق او را در برابر سوء استفاده خاموش می‌کند. ترس کودک از می‌تواند از خود بزه‌کار باشد به عبارتی بزه‌کار کودک را تهدید به مرگ و ضرب و جرح می‌کند ولی گاهی بزه‌کار با اهرم خانواده کودک او را می‌ترساند مثلاً کودک را از تنبیه توسط پدر بابت رفتاری که مرتکب شده می‌هراساند.

۳-۲. ترس از سرزنش و تنبیه والدین

در مواردی نیز ترس کودک ناشی از سرزنش و تنبیه شدن توسط والدین است، چرا که در چرخه تفکر کودک این فرض نمود پیدا می‌کند که ممکن است خود کار اشتباهی انجام داده باشد چرا که وی درک مطلوبی از جرمی که بر او واقع شده ندارد یا به خاطر اعتقاداتی که والدین دارند احتمالاً او را مقصر اصلی می‌پندارند. به عنوان نمونه در پرونده‌ای کودک به پدر خود گفته بود که توسط دایی خود مورد آزار قرار گرفته که در نتیجه با خشونت پدر همراه گردید و پدر متعصب سر دختر بچه خود را برید و خانه به خانه نشان می‌داد تا غیرت و حمیت خود را به اثبات رساند (شیری، ۱۳۹۷، ص ۱۲۴). همچنین تحقیقاتی توسط مجمع اصلاحات کیفری هوارد در انگلستان انجام شده بر نتیجه گیری فوق صحه می‌گذارد به عبارتی این تحقیقات نشان می‌دهد که کودکان احساس می‌کنند بزرگسالان در چنین مواقعی آنان را مجرم می‌پندارند (مهرا و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۲۲۰). در چنین مواردی گرچه کودک سکوت می‌کند اما والدین می‌توانند با بررسی رفتارهای فیزیکی او به وقوع جرم پی برده و در نتیجه بتوانند سکوت کودک را بشکنند.

۶ - یکی از قدیمی ترین سازمان های اصلاحات کیفری در جهان

۲-۴. ترس از دستگیری

بزه‌دیدگان ممکن است به دلایلی که ناشی از یک عمل غیر قانونی باشد از رجوع به پلیس خودداری کنند؛ مثلاً روسپیگری، اقامت غیرمجاز و مسائلی از این قبیل. این مسئله در پرونده مهدی که به تجاوز و قتل محکوم شده بود هویدا است. در این پرونده برخی از اولیای دم کودکانی که مورد آزار و اذیت قرار گرفته بودند افغان بوده و می‌ترسیدند در صورت طرح شکایت از کشور اخراج شوند (شیری، ۱۳۹۷، ص ۱۲۴). همچنین در بسیاری موارد دیده می‌شود که زنان روسپی به این دلیل که خود به نوعی مجرم هستند از جرایم بعضاً فجیعی که بر آنان واقع می‌شود بدون شکایت گذشت می‌کنند. درست است که بزه دیده شتاب دهنده جرم است ولی به هر صورت باز هم بزه دیده است.

۲-۵. عدم توانایی بزه دیده

«ناتوانان بزه دیده کسانی هستند که به علت از دست دادن توانایی انجام کار یا دچار بودن به یک نارسایی و بیماری بدنی یا روانی بزه دیده میشوند» (رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴)، ولی کودکان و نوجوانان به ذات ناتوان هستند. کودک و نوجوان به دلیل نقص در قوه تشخیص و قوه جسمانی به قطع یقین با مسائل قضایی نیز آشنایی ندارد. همچنین بسیاری از جرایم نیز توسط اعضای خانواده بر کودک واقع می‌شود با چنین وضعیتی بزه‌دیده چون راهی برای شکایت پیدا نمی‌کند به بزه‌دیدگی مکرر تن می‌دهد. اگرچه این مشکل با در نظر گرفتن حق شکایت مستقل از والدین و سرپرستان برای کودکان تا حدودی بر طرف گردیده اما چالش اصلی عدم اطلاع کودک از چنین حقی است که نیازمند تبیین و شفاف سازی توسط مدارس صدا و سیما و ... است.

۲-۶. وابستگی مادی یا معنوی

در مواردی فرد به دلیل وابستگی مادی یا معنوی نسبت به بزه‌کار، حاضر به اعلام جرم نیست و حتی در صورت پیگیری مأمورین و سیستم عدالت کیفری نیز از گزارش دهی آنچه اتفاق افتاده، خودداری می‌کند. این موارد بیشتر در سالمندان و بیماران صعب‌العلاج که به پرستار و سرپرست خود وابسته هستند شکل می‌گیرد. در مورد کودکان و نوجوانان نیز این وابستگی در مواقعی که بزه‌کار سرپرست وی باشد وجود دارد. این مسئله ناشی از آن است که بزه‌کار نیازهای بنیادین بزه‌دیده مانند مسکن و غذا را تأمین می‌کند. به علاوه ممکن است این وابستگی عاطفی باشد و بزه‌دیده با اینکه دچار آسیب‌های شدید شده است، حاضر به گزارش رویداد مجرمانه حادث شده بر خود نیست. این نکته قابل ذکر است که در جرم‌های جنسی در بسیاری مواقع به دلیل بیگانه نبودن متجاوز رفتار وی تجاوز واقعی تلقی نمی‌شود (ژاک بوریگان، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱).

۲-۷. فرهنگ و آداب و رسوم حاکم بر خانواده و جامعه

کلیشه جنسیتی به عنوان اینکه زنان و دختران خانواده ناموس خانواده هستند و با تجاوز و جرم بر آنان پدر و همسر خانواده در حفظ ناموس شکست خورده است، می‌تواند مانعی برای اقدام شکایت توسط والدین به ویژه در مورد دختران نوجوان باشد (زراعت پیشه و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۷۷۰). همچنین در مواردی شخص بزه‌دیده برای صیانت از آبروی خود، از اعلام شکایت

منصرف می‌شود. به عنوان نمونه اگر لواط به عنف با پسری نوجوان انجام شود، پسر که خود که قربانی شده برای حفظ عزت خود از اقدام به شکایت خودداری می‌کند و حتی در مورد این حادثه با خانواده و نزدیکان خود نیز صحبت نمی‌کند. ابتدا جامعه باید فرد را به عنوان بزه دیده بشناسد و وضعیت انسانی او را قبول کند. انسانیت فرد قبل و بعد از بزه دیدگی تفاوتی ندارد ولی فردی که جرم بر روی او واقع شده به خصوص برخی از جرم‌های خاص مانند (تجاوز جنسی) تصور می‌کند انسانیت او پایمال شده تعادل روانی خود را از دست داده و از ترس از آبرو از محیط کار و محیط زندگی فاصله می‌گیرد (ابرنده آبادی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۳۹). با فرهنگ سازی می‌توان کلیشه‌های این چنینی را تا حدی رفع نمود.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته نتیجه گرفته می‌شود که در بسیاری از موارد گزارش‌دهی، از طریق اعلام شکایت صورت نگرفته و رقم سیاه بزهکاری افزایش پیدا می‌کند و این مهم چالشی بزرگ برای تشکیل پرونده شخصیتی برای کودک در معرض خطر و بزه‌دیده است. در ادامه شناسایی از طرق دیگر به عنوان راه حلی برای این چالش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۸-۲. ترس از سرزنش نظام قضایی

بزه دیده باید سیستم عدالت کیفری را حامی و تکیه گاه خود ببیند ولی در مواردی ممکن است در اثر عدم مهارت و اطلاع کافی، مقامات قضایی رفتارهای نا مساعدی با بزه‌دیده تجاوز به عنف داشته باشند، برای مثال در یک نمونه عینی مابین بازپرس و بزه دیده ادبیتی این چنین برقرار شده است که: «اگر خودت مشکل نداشتی چرا به خانه وی (بزهکار) رفتی»، در حالی که ممکن است با فریب به خانه متجاوز رفته یا اصلاً به قصد دیگری به خانه وی رفته باشد به ویژه زمانی قصور قربانیان بیشتر جلوه‌گر می‌شود که آنها کاری خلاف اخلاق و عرف جامعه انجام داده باشند، مثلاً باید از پوشیدن لباس تحریک کننده و یا استفاده از نوشیدنی سکرآور خود داری می‌ورزیدند، اما با رفتار خلاف این توصیه‌ها تبدیل به قربانی ایده آل برای بزهکار بالقوه شده‌اند (Wayne, N.D, p16).

یا در مثال پیشین، قربانی زمانی که به خانه متجاوز می‌رفته باید آگاه می‌بود که به با رفتار بی‌پروای خود زمینه بزه‌دیدگی خویش را فراهم می‌آورد. در نتیجه و با توجه به تقصیر او می‌توان از مجازات بزهکار کاست.

نتیجه گیری

نمی‌توان انتظار داشت بدون در اختیار داشتن آمار جنایی قابل اعتماد، میزان بزه‌کاری را در جامعه به صورت روشمند کنترل نمود به به همین دلیل، دستیابی به آمار بزهکاری واقعی، یکی از دغدغه‌های مهم نظام‌های عدالت کیفری است. قانونگذار ایران، جهت بدست آوردن آماری معتبر از اطفال و نوجوانان بزه‌دیده و در معرض خطر و رفع شرایط مخاطره آمیز آنها، ابتدا سازوکاری را طراحی نموده تا به واسطه آن شناسایی این قشر را تسهیل نموده و در ادامه به ابراز حمایت‌های خود بپردازد، در این راستا ابتدا شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده را جزئی از وظایف ذاتی بسیاری از ارگان‌های متولی امور کودک نظیر قوه قضائیه، بهزیستی، نیروی انتظامی، وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت، کار و کشور قرار داده است (بعدا و با تصویب آیین نامه اجرائی این قانون بر آن تاکید گردیده و فرآیند آن برای هر ارگان به تفصیل آورده شد). درگام دوم خود اظهاری کودک را از طریق به رسمیت شناختن حق شکایت کودک مستل از والدین به رسمیت شناخت و در گام سوم و نهایه خود وظیفه گزارش دهی جرم، شروع به جرم و وضعیت‌های مخاطره آمیز شدید و قریب الوقوع را برای عامه برقرار نمود. اگرچه با عدم تفکیک و بیان وجه افتراق موقعیت‌های مخاطره آمیز شدید و قریب الوقوع با موقعیت‌های مخاطره آمیز عادی، راه را برای عذر عامه و شانه خالی کردن آنها از مسئولیت فراهم آورده است. شایسته آن بود که وظیفه گزارش دهی موقعیت‌های مخاطره آمیز برای عامه، به گونه‌ای کلی قرار داده می‌شد و تشخیص شدت آن برعهده مقام ارزیاب قرار می‌گرفت.

علاوه بر آن چالش هایی همچون ترس کودک از بزهکار، سرزنش توسط خانواده یا نظام قضایی، دستگیری، عدم توانایی، کم اهمیت تلقی کردن جرم یا وابستگی مادی یا معنوی به مرتکب رو به رو است از این جهت باید دست به کار شده و از راهکار هایی دیگری برای شناسایی اطفال و نوجوانان بزه دیده و در معرض خطر استفاده کرد.

یکی از راه های شناسایی اطفال و نوجوانان بزه دیده استفاده از پیمایش های بزه دیدگی است سه دهه گذشته، پیمایش ملی بزه دیدگی به منبع اصلی اطلاعات در مورد میزان تکرار و نتایج بزه دیدگی تبدیل شده است. پیمایش های بزه دیدگی یکی از ابزارهای مهم در جمع آوری داده های دقیق تر نسبت به آمار جرایم و همچنین شناسایی اطفال و نوجوانان بزه دیده است. در پیمایش ها سوالات مختلفی راجع به جرم و رابطه بزه دیدگی افراد پرسیده می شود ولی اشکال در این نکته نهفته است که طفل یا نوجوانی که به دلایل وابستگی های عاطفی، ترس از بزهکار و ... از اعلام شکایت خودداری کرده، باز هم به همان دلایل بزه دیدگی خود را پنهان میکند.

همچنین در دید عمیق تر یکی از راهکار های شناسایی اطفال و نوجوانان بزه دیده فرهنگ سازی اعلام جرم است قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز در بند «ب» ماده ۳۰ این گونه، گزارش دهی را از جهات شروع به تعقیب دانسته است: «گزارش ها و درخواست های مکتوب یا شفاهی که هویت گزارش دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست در صورتی که دارای قرائن معقول و متعارف باشد.» با بررسی تطبیقی مشخص می شود که گزارش دهی در جرایم اطفال و نوجوانان مرسوم بوده است، به عنوان مثال «تقریباً در ۱۸ ایالت آمریکا اگر فردی ظن به کودک آزاری پیدا کرد، باید اقدام به اعلام گزارش کند اما اکثر ایالات گزارش دهی اجباری را محدود به متخصصان فعال در زمینه حقوق کودکان دانسته اند». اعلام جرم علیه کودکان و نوجوانان زمانی محقق می شود که ابتدا مردم جامعه آن رفتار را وضعیت مخاطره آمیز یا جرم تلقی کنند. به عنوان مثال حدود تنبیه و تربیت اطفال در زمان و مکان های مختلف از لحاظ عرفی متفاوت است. در یک عرف حتی اذیت کلامی به یک کودک، کودک آزاری محسوب شده و در عرف دیگر کتک زدن طفل توسط والدین و معلم برای تربیت او نیز لازم است. بنابراین یکی از راهکار های شناسایی اطفال و نوجوانان بزه دیده و در معرض خطر ایجاد فرهنگ واحد در جامعه نسبت به ای موضوع خاص است.

منابع

۱. ابراهیمی، نصیبه، کلانتری کیومرث، (۱۳۹۶)، پیشگیری پلیس محور از بزه دیدگی کودکان در مدارس و راهکارهای آن، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوص و کیفری، شماره سی و سوم
۲. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی، (۱۳۹۰)، انتشارات شهردانش، چاپ اول
۳. رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۸۵)، بزه دیدگان حقوق و حمایت های بایسته، پژوهش حقوق عمومی، شماره نوزدهم
۴. رایجیان اصلی، مهرداد، درآمدی بر جرم شناسی، (۱۳۹۸)، انتشارات سمت، چاپ دوم
۵. رضانی قوام آبادی، محمد حسین، (۱۳۹۶)، حضور سازمان های مردم نهاد در فرآیند کیفری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و یکم، شماره نود و نهم
۶. زراعت پیشه، رویا، شیرینی ورنامخواستی، عباس، نجفی ابرنآبادی، علی حسین، محمودی جانکی، فیروز، (۱۳۹۹)، کلیشه های جنسیتی موثر بر وقوع تجاوز جنسی در مولفه های فرهنگ ایرانی، پژوهش حقوق کیفری سال هشتم، شماره سی و دوم

